

سرمقاله

عملیات نظامی آخرین گزینه برای رهایی گروگان ها

حفیظ الله زکی

حدود ده روز قبل گروه های افراطی مسیر دو عراده بس مسافری را در ولایت زابل و در مسیر شاهراه کابل - هرات بستند و مسافران مربوط به قوم هزاره را جدا کرده باخود بردند. مقامات امنیتی و ریش سفیدان محل گفته بودند که شورشیان گروگان ها را به ولسوالی خاک افغان انتقال داده است. از آن روز به بعد تلاش هایی از سوی ریش سفیدان و منتقدان ولسوالی های جاغوری و گیلان برای آزادی گروگان ها صورت گرفت؛ اما این تلاش ها به نتیجه مشخصی نینجامید.

روز گذشته اردو و پولیس ملی عملیات نظامی را برای رهایی مسافران روی دست گرفتند. در این عملیات تا هنوز سی و دو تن از شورشیان کشته شده اند. اما در مورد گروگان ها معلوماتی در دست نیست.

عملیات نظامی باید به عنوان آخرین گزینه در نظر گرفته شود. پیش از آن حکومت باید تمامی گزینه های بیخطر تر دیگری را در نظر بگیرد. حال سوال این است که آیا حکومت به غیر از تلاش های محدودی که از سوی ریش سفیدان صورت گرفت؛ راههای صلح آمیز دیگری را نیز به آزمایش گرفت؟ بدون شک سلامت و رهایی مسافران بایستی در اولویت تصمیم گیری ها قرار می گرفت و چنانچه برای نجات مسافران از گزینه نظامی استفاده می شود، باید این اطمینان پیدا شود که گزینه های دیگر عملی و یا ممکن نبوده است.

ناتیا پیش از عملیات نظامی باید کارهای ابرائینی وسیعی در منطقه صورت می گرفت. در جریان رابطه معلومات دقیقی برای مردم محل نگهداری مسافران شناسایی می شد. بعد وضعیت دشمن در آن ساحه از هر لحاظ مورد ارزیابی قرار می گرفت. در مرحله اخیر میزان مؤفقت عملیات نظامی که طی آن هم آسبیب به جان مسافران نرسد و هم رهایی آنها را تضمین کند، در نظر گرفته می شد.

شاید حکومت و نیروهای نظامی چنین تدابیری را پیش از عملیات نظامی مستجیده باشد؛ اما در این رابطه معلومات دقیقی برای مردم ارابه نگر دیده است. حالا که عملیات نظامی شروع شده، آنهم در وضعیتی که نیروهای امنیتی می گویند از محل و سرنوشت گروگان ها اطلاعاتی در دست ندارند؛ این بدان معناست که جان مسافران بیگناه در خطر جدی قرار گرفته است. پاتوجه به تلفات و خساراتی که به دشمن در این منطقه وارد شده، بعید نیست که شورشیان در نهایت تصمیم به کشتن گروگان ها بگیرند. در این صورت مردم خواهان ارابه دلایل قناعت بخش ازسوی حکومت خواهد شد. مردم به هر حال می خواهند که با هراس افگنان مبارزه قاطع صورت بگیرد و اگر در این راه جان تعدادی از شهروندان غیر نظامی هم به خطر می افتند، مردم این ضررها را باخطر دفاع از تمامیت ارضی و منافع عالی ملی متقبل می شوند؛

اما این مساله بسیار متفاوت تر از فضایی مشابه دیگر است. در این حادثه تعدادی از مسافران از مسیر راه به گروگان گرفته شده است. در این گروگان گیری تنها مسافران مربوط به یک کتله اجتماعی ر بوده شده اند.

بنابراین در پشت قضیه گروگان گیری انگیزه تفرقه افگنی و دامن زدن به احساسات قومی نیز قرار دارد. در این گونه موارد در همه کشورهای جهان، حکومت ها از خویشننداری بیشتر کار می گیرند و گزینه های غیر نظامی را در اولویت قرار می دهند. سلامتی شهروندان در این گونه موارد اصل است. مؤفقت حکومت و نیروهای امنیتی نه در کشتار مخالفان و شورشیان. که در حفاظت از جان گروگان ها و رهایی صحیح و سالم آنها سنجیده می شود. پس در این عملیات اگر نیروهای امنیتی تلفات و خسارات زیادی را به دشمن وارد کنند؛ اما خدای ناکرده در آزادی گروگان ها ناکام بمانند، به طور قطع گزینه عملیات نظامی زیر سوال خواهد رفت.

البته گزینه نظامی در صورتی برای مردم قابل قبول خواهد بود که آنها بدانند حکومت برای آزادی گروگان ها سایر گزینه ها را امتحان کرده است. در حالی که تا هنوز مردم به این باور نرسیده اند. آیا اعزام چند ریش سفید برای مذاکره و آزادی گروگان ها و نتیجه بخش نبودن این تلاش ها می تواند، عملیات نظامی را با این روش توجیه نماید؟

چند روز پیش دو ملی بس در شاهراه کابل- قندهار از سوی گروهی متوقف شدند و سی تن از مسافران آن توسط افراد ناشناس ربوده شد. روایت ها و گزارش های مختلف از چگونگی ربوده شدن این افراد ارائه شد. در مورد ربایندگان نیز گزارش های مختلف ارائه شد. برخی گروه های مخالف داعش خواندند. برخی گروه های مخالف مسلح دولت. با این حال، هیچ گزارش دقیقی در مورد این رویداد و ربایندگان منتشر نشد. برای رهایی ربوده شده ها تلاش شد یا در میانی موسفیدان حل گردد. اما رفت و آمد های موسفیدان منجر به رهایی ربوده شدگان نشد. در اول همه ارگان های دولتی و مقامات دولتی در مورد این رویداد سکوت کردند. بر اثر فشار های شهروندان افغانستان معاون دوم ریاست جمهوری گفت که مقامات حکومت وحدت ملی از مسئله آگاه است و تلاش می کند که مسئله از طریق موسفیدان محل حل و فصل گردد. با گذشت چندین روز و رفت و آمد های موسفیدان اما، نتیجه حاصل نشد. گفته می شود که دیشب ارتش ملی کشور به آزاد سازی ربوده شده ها حمله کرده اند.

چند نکته در مورد این رویداد حائز اهمیت است. در زیر تلاش می شود مهمترین نکات در مورد این رویداد را به بررسی بگیرد.

اول: ربوده شده ها همگی از یک گروه اجتماعی است. بنا بر گفته های شاهدان عینی، ربایندگان از میان مسافران هزاره ها جدا کرده و با خود برده اند. این رویداد نشان می دهد که هزاره ها به عنوان یک گروه قومی و اجتماعی همچنان آسیب پذیر و مورد تهدید گروه های بنیادگرا و گروه های مخالف مسلح دولت است. جدا از آسیب پذیری هزاره ها از سوی گروه های مخالف مسلح دولت اما، هزاره ها در گذشته تاریخی خود تبعیض ها و ظلم و ستم های زیادی را متحمل شده است. رویداد ربوده شدن سی تن هزاره به نظر می رسد که ریشه تاریخی دارد و ربایندگان با بازگشت به گذشته تاریخی یک بار دیگر

می خواهد هزاره ها را مورد ظلم و ستم قرار دهد. از این جهت، بازخوانی گذشته و تفکر در مورد رویداد های تاریخی یک امر جدی و ضروری می نماید. تاریخ افغانستان تا زمانی که به صورت انتقادی روایت نگردد و گروه حاکم نسبت به رویداد های فجیع در تاریخ افغانستان تعیین نسبت نکند، در آینده رویداد های این چنینی دوباره اتفاق خواهد افتاد. تاریخ روایت فاتحان است. گروه حاکم اما، وفادار به روایت فاتحان از تاریخ است. وفاداری گروه حاکم از روایت فاتحان امکان رخ دادن رویداد های تاریخی را ممکن و تسهیل می کند. از این جهت، هم هزاره ها و هم گروه های اجتماعی و تیم حاکم نیازمند آن است تا تعیین نسبت با تاریخ گذشته بکند و گذشته را از چنبره فاتحان نبیند.

دوم: ولسوالی خاک افغان ولایت زابل در طول سیزده سال گذشته در دست گروه های مخالف مسلح دولت بوده است. نگراننده هم مرز با این منطقه می باشد و از وضعیت و میزان نفوذ گروه های مخالف مسلح دولت آگاه است. این ولسوالی نه تنها فضای برای گروه های مخالف مسلح دولت است بلکه گروه های تروریستی از کشور های مختلف نیز در این ولسوالی جای داده شده اند. در این اواخر که حکومت پاکستان حملات در داخل خاک خود به منظور پاکسازی انجام داده اند، همه گروه های مخالف حکومت پاکستان در افغانستان فرار نموده است و بخش از این فراریان در ولسوالی خاک افغان جای گرفته اند.

از آنجایی که در طول سیزده سال گذشته گروه های مخالف مسلح دولت در این ولسوالی دست به ربودن مسافران زنده بود، احتمال می رود که گروه های فراری از پاکستان در ربودن مسافران دست داشته باشد. از این جهت، حکومت افغانستان باید قاطعانه عمل نماید. حکومت نه تنها تلاش نماید ربوده شدگان را آزاد نماید بلکه باید فراریان پاکستانی را از این ولسوالی پاکسازی نماید تا در آینده شاهد اتفاق درناک نباشیم.

ولسوالی خاک افغان؛

پناهگاه امن برای مخالفان مسلح و گروه های تروریستی

علی قادری



فاش سازی حملات یک نوع بازی با جان اعضای ارتش ملی است. از این جهت، مقامات نظامی وزارت دفاع و داخله باید نسبت به فاش شدن این حمله پاسخگو باشد.

در پایان یک بار دیگر باید متذکر شد که ربوده شدن هزاره ها ریشه تاریخی دارد. جداسازی مسافران هزاره از میان مسافران دیگر گروه های اجتماعی هیچ مبنای دیگر ندارد. این رویداد یک بار دیگر، ضرورت فاش خوانی تاریخ ستم دیدگان را گوشزد می کند. حمله ارتش ملی یک ضرورت بود. اما فاش شدن حمله خطری جدی برای ارتش ملی و ربوده شدگان است. در حوزه نظامی فاش ساختن تاکتیک ها و استراتژی خطرناک است.

می تواند سرنوشت یک کشور و میلیون ها انسان را در یاد دهد. در عین حال، این رویداد می تواند مناسبات و روابط بخش از مردم جاغوری با مردم خاک افغان را دگرگون نماید و خطرات برای مردم جاغوری در پی داشته باشد. از این جهت، حکومت وحدت ملی باید این مسئله را نیز در آینده جدی بگیرد.

حملات نظامی اساسا باید مخفی صورت گیرد. تاکتیک ها و استراتژی نظامی و جنگی نباید فاش گردد. فاش شدن تاکتیک ها و استراتژی امکان فرار، تیر و گیری و آمادگی دشمن را ممکن می گرداند و احتمال تلفات ارتش ملی را نیز افزایش می دهد. در عین حال، این احتمال وجود دارد که با آگاه شدن مخالفان و ربایندگان از حمله ارتش ملی آن ها گیروگان ها را بکشند. از این جهت، لازم بود که حمله ارتش ملی مخفیانه صورت گیرد. حال این مسئله از سوی وزارت دفاع یا وزارت داخله و یا هر ارگان دیگر فاش شده است، می رساند که حکومت به دنبال سرکوب مخالفان مسلح نیست. آنها را فاش ساختن در صد آن است تا امکان فرار، آمادگی جنگی و تیر و گیری مخالف مسلح دولت را فراهم کند. به هر صورت، این مسئله هم ضربه بر ارتش ملی است و هم برای ربوده شدگان خطرناک. در صورتی که اتفاق برای ربوده شدگان بیافتد و یا ارتش ملی در این حمله کشته ای بر جا گذارد مسئولیت اش به عهده کسانی است که این حمله را فاش ساخته است.

سوم: حکومت افغانستان در رهایی ربوده شدگان تلاش نمود از موسفیدان منطقه استفاده نماید. موسفیدان منطقه جاغوری چندین بار برای رهایی ربوده شدگان وارد منطقه خاک افغان شد. اما تلاش ها و گفتگو های آن ها جواب نداد. استفاده از موسفیدان جاغوری به باور نگارنده یک نوع ضربه بر امنیت جاغوری است. زیرا، گروه های مخالف مسلح دولت فکر می کند که موسفیدان جاغوری نقش در حمله ارتش ملی دارد.

احتمال می رود که خصومت ها میان خاک افغان و بخش از مناطق جاغوری افزایش یابد. به خصوص منطقه پابه و هیچه که با ولسوالی خاک افغان مرز می باشد، در خطر احتمالی قرار خواهد داشت. از این جهت، لازم است که حکومت مرکزی و حکومت محلی غزنی و ولسوالی جاغوری توجه به این مسئله داشته باشد.

چهارم: ارتش ملی برای نجات و آزادی ربوده شدگان حملات را سازماندهی نموده است. این حمله اما، پیش از آن که سری و مخفی صورت گیرد در همان ساعات اولیه فاش شد.

بررسی حکومتداری محلی در افغانستان

بسم الله تبارک

قسمت اول

دانشجوی دوره ماستری دانشگاه ملی قزاقستان

های مرکزی می باشند. این نهادها ممکن مشکل تراکم کاری را کم کند اما مشکل تمرکز قدرت بر جایی خود باقی می ماند. نوع دیگر نظام اداری، نظام اداری مرکب است. نظام اداری مرکب دارای چند مرکز عملکرد سیاسی می باشند و حاکمیت چند گانه ای در آنها حکم فرماست.

تقسیم ناپذیر و یکپارچه جلوه می کنند. سرزمین واحد : سراسر قلمرو فضایی، جغرافیایی و حقوقی دولت- ملت سازمان بندی قدرت عمومی دولت به یکسان و بلا واسطه تبعیت می کند. این نوع نظام دارای مشکلات نیز می باشد. که از جمله می توان تراکم کاری و تمرکز قدرت را از مشکلات جدی

و مرکب تقسیم می نماید. نظام اداری بسیط دارای مرکز واحد عملکرد سیاسی است. قدرت سیاسی در کلیت و مجموع آن توسط یک شخصیت واحد که همانا ریس جمهور می باشد یا دولت مرکزی اعمال می شود. کلیه اعضا گروه سیاسی یا جمعیت کشور زیر لوای یک دولت قرار دارند و از یک اقتدار سیاسی تبعیت می کنند

که نشان تشکیلات اداری وسیع میتواند گزینه خوب برای حکومتداری باشد یا بر عکس آن، اما با در نظر داشت مطالعات صورت گرفته تنها مورد که میتواند به عنوان موضوع اساسی در ایجاد ادارات دولتی مطرح باشد چگونگی اداره و مدیریت امور است که از طریق این ادارات صورت می پذیرد.

با آنکه در پیوند به چگونگی سیستم اداری دولت جمهوری اسلامی افغانستان از جانب تعدادی از دانشمندان حقوق اداری و استادان دانشگاه در افغانستان به زبان فارسی تحریر گردیده است اما بنا به اهمیت موضوع دوستی دیرینه میان جمهوری قزاقستان و جمهوری اسلامی افغانستان این اولین نوشته می باشد که به زبان روسی بمنظور آگاهی علاقمندان امور افغانستان و دانشجویان عزیز تحریر میگردد.

در افغانستان نیز از دوره های دور سیستم های متفاوت اداری در تمام سطوح تجربه شده و در آینده نیز خواهند شد، هر کدام این دوره ها مزایا و نواقص خود را داشته است، در نوشته کنونی سعی می شود تا چگونگی سازمان اداری فعلی دولت جمهوری اسلامی افغانستان و با رویکرد توجه بیشتر به قوه مجریه یا حکومت، مورد بررسی قرار گیرد. تا زمینه ای باشد برای مقایسه سیستم دولت داری در دو کشور دوست و برادر.

دولت: سازمان اداری؛ اداره محلی؛ نوع نظام اداری دولت ها یکی از مباحث جدی در حقوق اداری و علوم سیاسی می باشد.

بمنظور موشکافی و موثرت بیشتر نظام اداری در عرضه خدمات به شهروندان بحث های جدی صورت گرفته است. مسئله اساسی در نظام اداری چگونگی رفع مسئله تراکم کاری و تمرکز قدرت و ساده سازی بروکراسی می باشد چون در شرایط کنونی به هر اندازه مسیر های عرضه خدمات و دسترسی شهروندان به حکومت ها کوتاه و سهل باشد زمینه بیشتر رضایت متدنی نیز فراهم میگردد. و این مسئله باعث شده است که انواع از نظام اداری برای رفع مسائل مذکوره به وجود بیاید.

امروزه این بحث به نوعی میان دولت و رقبای سیاسی (اپوزیسیون) در افغانستان نیز مطرح است. تا بتوانند سیستم بسته و قدرت انحصاری اداری در مرکز را تعدیل نمایند. به طور کلی نظام های اداری را به بسیط



دولت های عضو در این مجموعه کشوری، هر کدام واحد سیاسی حاکمی را تشکیل می دهند. شخصیت حقوقی- سیاسی این واحد های عضو به گونه ای است که می توان به یکایک آنها واژه دولت را اطلاق کرد. دولت-کشور با نظام اداری مرکب در حقیقت تجمع اداری چندین دولت حاکم، حول محور یک قدرت مرکزی دانشمندان و سیاسیون برای حل این مشکلات نظام اداری بسیط را تعدیل و آن را به نظام اداری غیر متراکم تبدیل کرده است که در حقیقت نوع پیچیده ای از نظام بسیط می باشد. به این معنی که نهاد های مرکزی برخی از صلاحیت های خود را به نهاد های محلی و ایالتی واگذار می کند. نهادهای محلی و ایالتی از طریق مردم تشکیل می شود بلکه این نهاد ها مداوم نهاد

نظام های اداری بسیط دانست. تراکم کاری به این معنی است که تمام کار در مرکز انجام شده و این باعث می شود که در یک اداره تراکم کاری به وجود آید و نظام را ناکار آمد سازد. نظام اداری چون وحدت در ساختار و نهاد ها دارد بنابراین قدرت در آنجا تمرکز می یابد و تمرکز قدرت ممکن باعث مستبد شدن نظام گردد. دانشمندان و سیاسیون برای حل این مشکلات نظام اداری بسیط را تعدیل و آن را به نظام اداری غیر متراکم تبدیل کرده است که در حقیقت نوع پیچیده ای از نظام بسیط می باشد.

و غالباً یک قانون اساسی قلمرو و حاکمیت کشور را پوشش سراسری می دهد. بافت قدرت تفکیک ناپذیر است. برای نظام اداری بسیط ویژگی های زیر را می توان ذکر کرد. واحد بودن ساختار یا نهاد ها؛ تشکیلات سیاسی، اداری اعم از اجرایی، قانونگذاری و قضایی در یک دستگاه حکومتی تجسم یافته است که وظایف دولت را به طور کامل به انجام می رساند. جمعیت واحد : قاعدتا گروه انسانی یا جماعت به یکسان تحت فرمانروایی قدرت سیاسی مرکزی واقع شده است. تصمیمات صادره از سوی فرمانروایان، کلیه فرمانبران را به تساوی مجبور به تبعیت می کند، قدرت، واحد، همگن و بسیط است و مردم نسبت به قدرت سیاسی کلیتی



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر : حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent English